شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

شنبه

سال هفدهم
۲۹ شهریور ۱۴۰۴
۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۴۷
شماره ۴۵۷۹

Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع‌رسانی
صاحب امتیاز شهرداری مشهد
مدیرمسئول سید میثم موسوی‌مهر
سردبیر سید سجاد طلوع هاشمی
نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵
دفتر مرکزی ۵-۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱
نمابر ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
روابط عمومی ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
شماره پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹

دمای هوای مشهد

رطوبت هوا	۱۶ %	۱۶ ↓	۳۷ ↑
صبح	۲۴	ظهر	۳۵
عصر	۳۳	شب	۱۹

اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر	۱۱:۲۴:۵۲	نیمه شب شرعی	۲۲:۴۲:۳۰
غروب آفتاب	۱۷:۳۱:۳۵	اذان صبح فردا	۰۳:۵۴:۱۸
اذان مغرب	۱۷:۴۹:۴۹	طلوع آفتاب فردا	۰۵:۱۸:۵۵

حدیث

امام علی (ع):
تندرستی، سرمایه است و سستی، تباه کردن و وفا کردن، دلیل آسایش.

شرح نهج البلاغه، جلد ۲۰ صفحه، ۳۳۰ حدیث ۷۸۳

اول شخص

مرید میراث مهربانی

برای حجت‌الاسلام‌والمسلمین علی‌اکبر الهی خراسانی از استادان پیشکسوت حوزه علمیه خراسان که ۲۷ شهریور دعوت حق را لبیک گفت

سرویس فرهنگ| در کوچه باغ‌های کاهگلی نیشابور به دنیا می‌آید. امروز وقتی دفترچه‌هایش را ورق می‌زنیم، از مدرسه گلشن نیشابور تا حجره‌های اطراف حرم، مسیری که آمده است را مرور می‌کنیم. نوجوانی او با صرف‌ونحو و فقه شروع می‌شود. سال ۱۳۳۵ وارد مدرسه گلشن می‌شود و درست یک سال بعد به مشهد کوچ می‌کند. خیلی زود اجازه کتبی نقل حدیث را می‌گیرد؛ نشان اعتماد به طلبه جوانی که هم متن دینی را بلد است، هم مسئولیت اجتماعی متن دینی را. در دهه‌های بعد، تحصیل دانشگاهی را هم به کارنامه حوزوی‌اش اضافه می‌کند. در سال ۱۳۵۲ کارشناسی فقه و مبانی حقوق می‌گیرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی استاد الهی خراسانی دامنه فعالیت‌های فرهنگی و علمی‌اش را گسترده‌تر و با حضور آیت ا... طبسی در مقام تولیت آستان قدس رضوی، همکاری‌اش را با آستان قدس بیشتر می‌کند. او به پیشنهاد تولیت وقت در سال‌های نخست دهه ۶۰ خورشیدی دنبال تأسیس بنیادی علمی زیر نظر آستان قدس بود که در نهایت سال ۱۳۶۳ بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی را تأسیس می‌کند.

پس از تشکیل هیئت مدیره، او به عنوان نخستین مدیرعامل این نهاد علمی انتخاب می‌شود. از همان روزهای نخست، کارگروه‌های علمی مختلفی را در بنیاد تشکیل داده و با توجه به جایگاه علمی برجسته‌اش و شناخت شخصیت‌های علمی توانست بسیاری از نخبگان علمی وقت را به بنیاد دعوت می‌کند. در زمان مدیریت سی‌ساله الهی خراسانی بر بنیاد پژوهش‌ها، آثار ارزشمندی به چاپ رسید و بسیاری از این آثار به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی انتخاب شد. کلاس‌های علوم قرآنی، فقه و اصول، آیات‌الاحکام و تفسیر تخصصی را در دانشگاه مشهد و دانشگاه علوم اسلامی رضوی پیش می‌برد. بیرون کلاس، تصحیح و تحقیق پیرامون متون کهن و سنگین را جدی می‌گیرد. از «منتهی‌المطلب فی تحقیق المذهب» تا «سفینةُ‌البحار»، و نیز آثاری از شهید ثانی و شیخ مفید و محدث قمی را در کارنامه دارد؛ کارنامه‌ای که بخشی از آن عنوان «کتاب سال» می‌گیرد و بخشی دیگر، مواد خام درس و بحث نسل‌های بعد می‌شود.

زندگی در شعاع امام مهربانی‌ها

حاج علی‌اکبر زندگی علمی‌اش را در شعاع یک نام سامان می‌دهد؛ امام رضا(ع). آستان قدس، برای او فقط مجموعه‌ای اداری نیست؛ زیست جهانی است که باید دانایی‌اش را صورت‌بندی کند. آستان قدس خانه اوست. این خانه جایی است که با نظارت هیئت مدیره و همکاری محققان حوزه و دانشگاه، پروژه‌هایی مانند تدوین مدخل‌ها و پژوهش‌های «دانشنامه امام رضا(ع)» را پیش می‌برد. کارهایش مرجع سازند و زندگانی ائمه، اندیشمندان معاصر، جغرافیای فرهنگی مشهد و خود آستان قدس را پوشش می‌دهد و زبان مشترکی برای بحث‌های رضوی می‌سازد. در همین مدار، سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس، یکی از بزرگ‌ترین مخازن نسخه‌های خطی و چاپ سنگی در جهان اسلام به میدان اداره و تدبیر او هم بدل می‌شود. جایی که هر سه‌شنبه علمی و فرهنگی با رونمایی از یک نسخه و گفت‌وگو درباره میراث مکتوب، پیوند میان پژوهش و زیارت را زنده نگه می‌دارد. انعکاس ارادت او با امام رضا(ع) را باید در آینه همین کارهای مستمر دید. او هم مدیر است، هم مدرس، هم نسخه‌شناس هم‌دل. برای او حرم فقط صحن و رواق نیست، حافظه مکتوب است. درست به همین دلیل، هر بار بحث از هویت رضوی مشهد پیش می‌آید، چه در قالب پروژه‌های نشر و چه در قالب برنامه‌های عمومی، رد پای او در سازمان‌دهی و پیگیری امور دیده می‌شود. این نسبت زیسته با آستان، در سال‌های پایانی حیات هم کم نمی‌شود؛ او در شعاع امام مهربانی‌ها زیست و در آن پر کشید.

صیانت از بافت پیرامون حرم

سهم حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر الهی خراسانی فقط در کلاس‌های درس و اتاق‌های بنیاد خلاصه نمی‌شود. در روایت‌های تاریخی شهر و به خصوص در شکل‌گیری نخستین صندوق قرض‌الحسنه ایران در سال ۱۳۴۲ از او نام برده می‌شود. این صندوق با تأیید و یاری چهره‌های سرشناس حوزوی مشهد پا گرفت و در ادامه به مجموعه‌ای شامل صندوق، فروشگاه تعاونی و کتابخانه بدل شد تا به طلاب و مردم خدمت کند. این شبکه رفاهی کوچک، اما مؤثر، نمایی از همان روحیه‌ای است که بعدها در مدیریت فرهنگی‌اش دیده شد. از سوی دیگر، وقتی سرنوشت بافت تاریخی اطراف حرم به مسئله‌ای ملی بدل شد، نام او در میان امضاکنندگان نامه‌های سرگشاده به سران قوا بود. او هشدارهایی برای توقف روند تخریب منتشر و از تصمیم‌گیران دعوت کرد تا با تشکیل کمیته‌ای ملی برای نجات بافت پیرامونی حرم اقدام کنند. او باور داشت که هویت مشهد، نباید قربانی تصمیم‌های شتاب‌زده سودجویان شود. خبرگزاری‌ها آن سال‌ها از ۲۲۰ تا ۲۳۰ نماینده مجلس و جمعی از شخصیت‌های دینی و فرهنگی می‌نویسند که دغدغه «حریم رضوی» را به زبان آوردند و در قالب بیانیه مطرح کردند که نام الهی خراسانی همواره در میان آن‌ها بود. الهی خراسانی، استاد پیوندها و همدلی‌ها بود. او علم و نهاد، هویت و رفاه، حرم و شهر را به یکدیگر پیوند داد. این تصویر تا به همیشه در ذهن شاگردان و همکارانش باقی خواهد ماند. علی‌اکبر الهی خراسانی، از استادان پیشکسوت حوزه علمیه خراسان سرانجام در غروب بیست و هفتم شهریور دعوت حق را لبیک گفت. مراسم تشییع آن استاد فقید، ساعت ۱۵ عصر جمعه ۲۸ شهریور در صحن کوثر حرم مطهر رضوی برگزار شد و مراسم ترحیم وی نیز ساعت ۱۵ امروز ۲۹ شهریور، در مسجد الزهراء(س) خیابان احمدآباد مشهد منعقد خواهد بود.

کتاب ۳جلدی «تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم»، اثر ابوالمظفر اسفراینی است که با تصحیح و تعلیق علی‌اکبر الهی خراسانی و نجیب مایل هروی و از سوی میراث مکتوب در قطع وزیری در سال ۱۳۷۵ منتشر شده است. این ترجمه ویژگی‌های آوایی، واژگانی و دستوری خاصی دارد که نمادی از نوشتار فارسی خراسانی است و از نظر تاریخ ترجمه و زبان‌شناسی دارای ارزشی بسزاست. این تفسیر تمام قرآن را در بر می‌گیرد و از لحاظ اهمیت هم‌تراز تفسیر طبری (فارسی) و سورآبادی و بصایر یمینی به‌شمار می‌آید؛ همچنین دومین حلقه زنجیره خراسانیان است و به علت قدمت و شیوه ترجمه بر تفسیرهای فارسی سده‌های ششم و هفتم هجری تأثیر گذاشته است.

چهره

در حسرت آشتی

یادی از برهان‌الدین ربانی ملقب به اولین قربانی صلح در افغانستان هم‌زمان با سالروز ترورش

مریم شیعه| آخرین روزهای شهریور است. شهر بوی پاییز می‌دهد. خیابان‌های شطرنجی محله وزیر اکبرخان، مملو از آدم‌هایی است که در قلب دیپلماتیک شمال کابل در تردد‌ند. خیابان در محاصره درخت‌های کهن‌سال و دیوار بلند خانه‌های ویلایی است. بسیاری از سفارت‌ها همین‌جا هستند. این محله، حس امنیت دارد. محدوده‌ای است که با ده‌ها ایست بازرسی و دیوار بتنی، سروکار دارد و تا فرودگاه اصلی کابل، فقط چند دقیقه فاصله است. پیرمرد سپیدریش، خودش را به خانه برهان‌الدین می‌رساند. وقتی به پشت در خانه می‌رسد، خدمه او را به اتاق مهمان هدایت می‌کنند.

پیرمرد هنوز نفس نفس می‌زند. منتظر رسیدن برهان‌الدین، روی کاناپه می‌نشیند. اتاق مهمان روشن است، پرده‌ها را کنار زده‌اند، چای روی میز هنوز داغ است و بالاخره برهان‌الدین از در وارد می‌شود. پیرمرد دوباره می‌گوید؛ پیام بسیار مهمی از سوی طالبان آورده‌ام و برهان‌الدین به امید باز شدن گره کور صلح در افغانستان نیم‌خیز می‌شود تا پیرمرد خسته و خمیده را در آغوش بگیرد که یک‌باره زمان می‌ایستد. دست‌هایشان که باز می‌شود و سرهایشان که کمی به پایین خم می‌شود، نور زردی اتاق را پر می‌کند. موج داغی به راه می‌افتد که همه چیز را در آتش خود ذوب می‌کند و انفجار، اتاق و آدم‌هایش را در کسری از ثانیه می‌بلعد. بمب درست زیر عمامه پیرمرد جای‌گذاری شده بود. وقتی خبر حمله انتحاری به برهان‌الدین ربانی، رئیس شورای عالی صلح در افغانستان به بیرون درز پیدا می‌کند، همه چیز ترسناک‌تر می‌شود. کسی که سال‌ها جنگید تا صلح میان دولت افغانستان و نیروهای طالبان را برقرار کند، قربانی این مسیر شد. قلب‌ها هم از داغ رفتن او مچاله بود و هم از آینده تاریکی که امید به بهبود اوضاع را سلاخی می‌کرد. آغوش مرگ نماد تلخ راه صعب‌العبور آشتی، در خاک قهرآمیز و بایر کابل بود.

گفت‌وگو به جای گلوله

ربانی پیش از آنکه اولین قربانی صلح لقب بگیرد، سال‌ها رهبر جمعیت اسلامی و رئیس جمهور دوران دشوار دهه ۹۰ میلادی در افغانستان بود که در واپسین فصل زندگی‌اش، تصمیم گرفت به جای فرمان‌دهی، مسئولیت گفت‌وگو را بر عهده بگیرد. شورای عالی صلح در ۲۰۱۰ به ابتکار دولت کابل شکل گرفت تا مجالی رسمی برای تماس با طالبان و دیگر گروه‌های مسلح فراهم کند. ربانی ریاست این شورا را پذیرفت، با این باور که بی‌گفت‌وگو، جنگ تنها چهره عوض می‌کند. کار شورا در هیچ برهه‌ای آسان نبود؛ خطوط تماس بی‌ثبات، میانجی‌های گهگاه و سایه‌روشن و اراده سیاسی متغیر در پایتخت کار را برای برهانی سخت می‌کرد. با این همه، او در نقش پیر میانجی می‌کوشید منش سیاسی تازه‌ای را جا بیندازد. او باور داشت که امنیت از دهانه تفنگ بیرون نمی‌ریزد و از میز مذاکره برمی‌آید. حتی اگر میز بارها واژگون شود. ایده اصلی او ادغام دوباره بود. تلاش می‌کرد تا مسیر بازگشت برای آدم‌هایی تعریف کند که حاضر به ترک خشونت‌اند. می‌خواست برای باز کردن درهای بسته، پیش‌قدم باشد. ربانی به‌خوبی می‌دانست که بحران افغانستان فقط جنگی داخلی نیست؛ میدان تداخل منافع است. از همین رو، هم‌زمان که در کابل بر ضرورت آشتی می‌گفت، چشم از پایتخت‌های پیرامونی برنمی‌داشت. ترور او، در همان خانه‌ای که به امید آشتی درهایش گشوده بود، شوک بزرگی به روند صلح وارد کرد. چنان‌که تحلیلگران آن را تلاشی برای تضعیف انسجام ملی و برهم‌زدن زمین گفت‌وگو خواندند. یک روز بعد، جهان سوگوار سیاست‌مدار کهنه‌کاری بود که به‌جای «استراتژی حذف»، «سیاست گفت‌وگو» را امتحان کرد و بهایش را با جان پرداخت.

از تهران تا کابل، پیوندهای منطقه‌ای

ربانی با ایران رابطه‌ای نزدیک و قدیمی داشت. همان پیوند تاریخی جبهه شمال با تهران که از دهه ۹۰ به بعد در قالب همکاری‌های سیاسی و فرهنگی ادامه یافت. چند روز پیش از ترورش، میانه سپتامبر ۲۰۱۱ در تهران بود. او در کنفرانس بیداری اسلامی کنار صدها چهره سیاسی و دینی منطقه ایستاد و عکس یادگاری گرفت. حتی در حاشیه آن نشست‌ها نیز، برهانی به‌دنبال مجالی برای گفت‌وگو با نمایندگان طالبان، خارج از مرزهای افغانستان بود. او تا آخرین روزها در پی گشودن مسیرهای تازه بود. بازگشتش به کابل کوتاه بود و مرگ، شتابان. او ایستادگی در برابر ظلم و زورگویی را با دو محور پیش می‌برد نخست استقلال‌خواهی و جلوگیری از مداخله‌گری بیگانگانی نظیر شوروی و دوم، تلاش برای آشتی افغان‌محور. از سوی دیگر، او با وجود مخالفت اصولی با قیمومت خارجی، واقع‌گرا بود. می‌دانست بدون گفت‌وگو با طرف‌های مسلط (از طالبان تا ایالات متحده) صلح پیش نمی‌رود. با این حال هیچ‌گاه در محاسباتش، رأی و عاملیت افغان را در وهله دوم تعریف نکرد. جمع استقلال‌خواهی صریح و عمل‌گرایی‌اش در پیشبرد مذاکره، تصویر ربانی را به عنوان سیاست‌مداری ضد سلطه اما گفت‌وگومحور، در حافظه سیاسی افغانستان نگه می‌دارد.

سال ۱۳۷۶ رهبر معظم انقلاب در ادامه دیدارهای جداگانه رؤسای جمهور کشورهای اسلامی شرکت‌کننده در اجلاس تهران، برهان‌الدین ربانی، رئیس جمهور افغانستان را نیز به حضور پذیرفتند. رهبری در این دیدار، اقدام اساسی و مؤثر دنیای اسلام را برای کاهش آلام و مصائب مردم افغانستان ضروری دانستند و فرمودند: مسئولیت این کار مهم، متوجه تمامی دولت‌های مسلمان و مجموعه بزرگی مانند کنفرانس اسلامی است؛ زیرا تک تک دولت‌ها به تنهایی قادر به انجام کارهایی از این دست نیستند.

کوچه

به خودمان شلیک نکنیم!

غلامرضا بنی‌اسدی
روزنامه نگار

اگر کسری از آنچه بیگانگان بر باطل خود منسجم و یکپارچه‌اند، ما بر حقِ خود متحد می‌شدیم، هیچ مانعی نمی‌توانست ما را از پیمودن راهمان به سمت موفقیت باز دارد، اما... دریغا که چنین نیست. برخی‌ها سخن‌ها را چنان گونه گونه می‌گویند که بیگانه جور دیگری فکر می‌کند. به خود حق می‌دهد از این کاشتِ اختلاف، برای خود برداشت موفقیت کند و خواب‌های رنگی ببیند. وقتی کلماتمان نشانگر تجزیه سیاست‌ها و راهبردهاست، معلوم است آن‌ها هم خوش‌خوشانشان می‌شود تا پندارهای خود را به تجربه عملی تبدیل کنند. ماشه این مکانیسم را بیشتر از انگشت تروئیکای اروپایی، زبان تند کلام داخلی می‌فشارد. تلخ و دردناک است آنچه وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران می‌گوید آن هم بعد از اینکه طرحی معقول و قابل اجرا را به همتایان اروپایی ارائه داده است تا از وقوع بحرانی غیرضروری و قابل اجتناب در روزهای آینده جلوگیری شود. طرف اما به جای آن که به محتوای این طرح بپردازد بهانه‌های گوناگون می‌گیرد و نتیجه می‌شود اینکه عباس عراقچی می‌گوید: ایران اکنون با مجموعه‌ای از بهانه‌ها و طفره‌روی‌های آشکار روبه‌روست؛ از جمله ادعای مضحکی مبنی بر اینکه وزارت امور خارجه نماینده تمام ساختار سیاسی کشور نیست. صداهای گوناگون، دارد جواب‌هایی چنین م‌گیرد. کسی به نیت این اختلاف‌گویی‌ها کار ندارد که شاید برای بهتر شدن شرایط و حتی قرب الهی باشد. به نتیجه کار دارد که در دامن بیگانگان و حتی دشمنان می‌ریزد. تا خودمان باور نکنیم که جمهوری اسلامی ایران یک حکومت یکپارچه است، تا وقتی خودمان قیچی در دست داشته باشیم، نخواهیم توانست بر سر بدخواهان ایران پُتک باشیم. با اینکه حتی رئیس جمهور فرانسه هم پیشنهادهای ایران را معقول می‌داند و می‌خواند اما همان صداهای ناهمساز او را و دیگران را به توهم انداخته تا ناسازگاری با حق ایران را با مکانیسم ماشه عملیاتی کنند. وزیر خارجه ما اما می‌کوشد تصور غلط آن‌ها را اصلاح کند و لذا تصریح می‌کند: مکرون و جامعه جهانی باید بدانند که من از حمایت کامل تمامی ارکان جمهوری اسلامی ایران، از جمله شورای عالی امنیت ملی کشور، برخوردارم. اما این بیان صریح او زمانی مورد قبول دیگران قرار خواهد گرفت که ما خودمان در ایران باور کنیم و بیان کنیم که ایران، یک صداست. ببینند که ایران در پرتو هدایت‌های رهبر فرزانه انقلاب، یک حرف دارد و در یک هندسه اقدام می‌کند. آن‌ها وقتی ما را در کنار هم ببینند دست از ماشه برمی‌دارند و تفنگ را هم‌کنار می‌گذارند و دستشان به سوی ما دراز می‌شود، اما وقتی ما را در مقابل هم ببینند، هم به دست ما توانمان را می‌فرسایند و هم باقی‌مانده توان را با فشردن ماشه مکانیسم و بازگرداندن تحریم‌ها، هدف می‌گیرند. فقط با وحدت حداکثری و با اتحاد مقدس است که می‌شود از تنگناهای نوپدید به سرفرازی بیرون آمد. فقط با هم که باشیم می‌توانیم موانع را از سر راه برداریم. میانمان اختلاف افتد ما را می‌شکنند. پس برای اسلام، برای ایران، برای خدا یک‌تن و یک‌صدا شویم تا بتوانیم بر مشکلات پیروز شویم.

کارتون شهر

مجید ادیبی

شهردار مشهد:

مشهد متناسب با جمعیت و جایگاهش بودجه ملی ندارد.
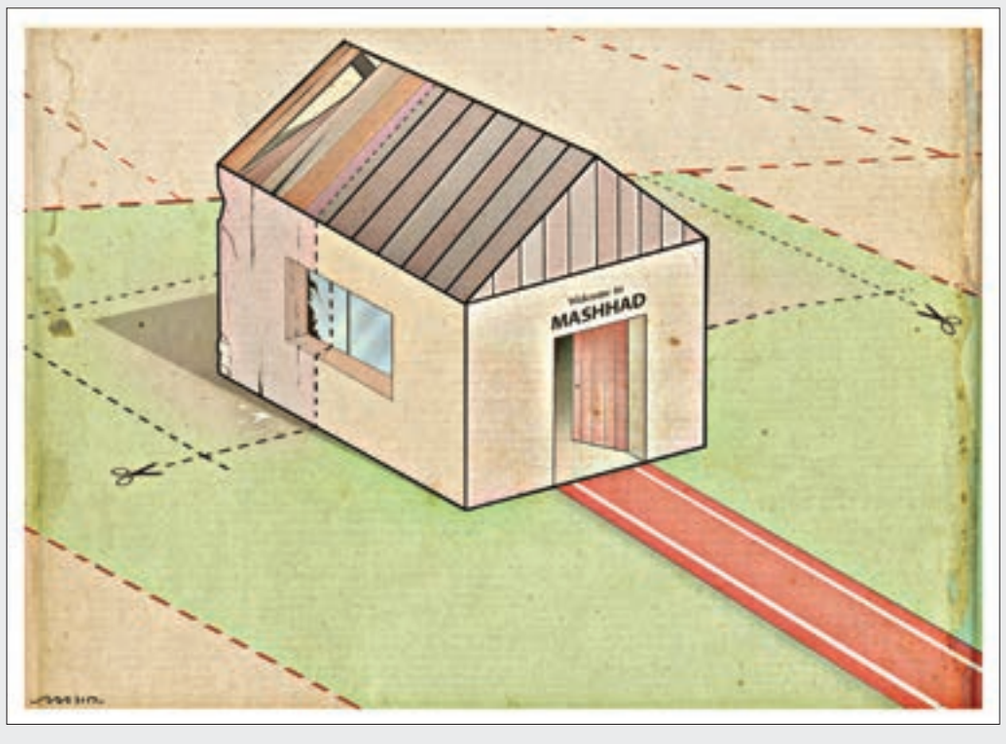
منبع: شهرآرا